



تفاوت‌های حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب



دکتر حسین علایی *

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

پرسش اصلی این مقاله این است که حکمرانی مطلوب چیست و چه تفاوت‌هایی با حکمرانی معیوب دارد؟ این مقاله بر پایه منابع و مطالعه کتابخانه‌ای، تدوین و با استفاده از بررسی اسناد و بحث‌های کارشناسی انجام شده است. در تبیین مقاله از روش شناسی توصیفی - تحلیلی با رویکرد کیفی - اکتشافی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت توسعه و پیشرفت و نیز عقب ماندگی‌های هر ملتی، ریشه در حوزه حکمرانی دارد. کیفیت و کارکرد حکمرانی است که مطلوب بودن و یا معیوب بودن حکمرانی را مشخص می‌کند. حکمرانی مطلوب نیازمند بکارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راهبردهاست تا موجب افزایش کارایی و عملکرد دولت در جلب رضایت مردم و نیز بالارفتن رقابت در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و همچنین پاسخگویی بیشتر دولت و کارآمدی و روزآمدی حاکمیت شود. حکمرانی معیوب نیز که با فشار به مردم و تحمیل امیال حکمرانان بر اقشار مختلف بوجود می‌آید، موجب کاهش رضایت ملی و نزول عملکرد دولت در مقایسه با سایر کشورهای رقیب و نیز ناکارآمدی می‌گردد. در حکمرانی معیوب کسانی که اهلیت و شایستگی حرفه‌ای بیشتری دارند، کنار گذاشته شده و آن‌هایی که صلاحیت کمتری دارند، اداره امور مملکت را به‌دست می‌گیرند. نتایج حاصله از این مقاله قادر خواهد بود در قالب توصیه‌نگاری و بسته‌سیاستی، طیف وسیعی از اقدامات مورد نیاز در حوزه حکمرانی را مورد ارزیابی، رهنمون و یا اصلاح قرار دهد.

کلیدواژگان

حکمرانی مطلوب، کارآمدی، حکمرانی معیوب، رضایت، حقوق بش

مقدمه

حکمرانی به مفهوم اداره هر جامعه و یک کشور برای نیل به اهدافی است که آحاد مردم به‌دنبال آن هستند تا یک زندگی امن و مناسبی داشته باشند. طبیعی است که بدون ایجاد ساختارهای حکومتی مناسب و کارآمد، امکان تحقق حکمرانی در عصر فعلی وجود ندارد. بنابراین حکمرانی

* استاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)، نویسنده مسئول / ایمیل: [hossein.alaei@guest.ut.ac.ir](mailto:hosseinalaei@guest.ut.ac.ir)

تنها یک تعریف منطقی و معقول دارد و آن نهایت بهره‌برداری حاکمیت از آنچه که در کشور امکان دارد و آنچه واقعیت جهان است تا بتوان زندگی بهتری برای شهروندان فراهم آورد. در هر صورت اعمال منافع ملی، ابتدا از فهم واقعیت‌های ملی و بین‌المللی شروع می‌شود. طبیعی است که نگاه به آینده و متوجه آینده شدن، فهمیدن عدد و رقم، دوری جستن از پیش قضاوتی و از همه مهم‌تر درک واقعیت‌ها و آشنا بودن با لوازم علمی و سیستماتیک حرکت به جلو، تحول در جامعه را به ارمغان می‌آورد و موجب افزایش کارکرد حکمرانی می‌شود. چگونگی و خوبی یا بدی حکمرانی مثل همه مقوله‌های دیگر امری نسبی است. شاید بتوان گفت که در عصر حاضر در هیچ جای جهان یک حکمرانی مطلوب و نیز یک حکمرانی کاملاً معیوب وجود ندارد. این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که حکمرانی در چه شرایطی معیوب و در چه وضعیتی مطلوب است؟ روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت مطالعه اسنادی از طریق کتاب‌ها، مقالات، پایگاه‌های علمی و منابع اینترنتی در باره موضوع تحقیق در رشته‌های علوم اجتماعی، حقوق و روابط بین‌الملل انجام شده است. روش تحقیق هم توصیفی - تحلیلی است.

۱- پیشینه پژوهش

در زمینه حکمرانی خوب کتاب‌ها و مقالات علمی زیادی در ایران و جهان منتشر شده است. هر کدام از این پژوهش‌ها در ابعاد مختلف به ارتباط بین حکمرانی و مقولات گوناگون از جمله رفاه مردم و توسعه و امنیت ملی پرداخته‌اند. از جمله کتاب «حکمرانی خوب و توسعه» نوشته مهدی مقدری که توسط انتشارات نگاه معاصر در ۱۴۰۰ در تهران منتشر شده است. این کتاب به بررسی دیدگاه و یافته‌های دانیل کافمن درباره حکمرانی می‌پردازد. در این کتاب پیشرفتی که در حوزه ارزیابی حکمرانی وجود داشته را با استفاده از یک چارچوب تحلیلی ساده و با تمرکز بر دو سوال کلیدی مرور می‌کند: چه چیزی را اندازه‌گیری می‌کنیم؟ و به نظرات چه کسی تکیه می‌کنیم؟ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز کتابی تحت عنوان «حکمرانی خوب» در ۱۳۸۳ در زمینه حکمرانی خوب و چگونگی کاربست آن و مبارزه با فساد منتشر کرده است. کتاب دیگری را هم دانشگاه عالی دفاع ملی تحت عنوان «حکمرانی، در آمدی بسیار کوتاه» از مارک بیور ترجمه و در ۱۳۸۹ منتشر کرده است. این کتاب به بررسی حکمرانی و انواع آن می‌پردازد و با توجه به تئوری‌های اصلی حاکمیت، تأثیر آن‌ها را در امور شرکتی، عمومی و جهانی روشن می‌کند. پژوهش دیگر مقاله «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر» نوشته مهدی هداوند است که در فصلنامه حقوق اساسی تابستان ۱۳۸۴ در شماره ۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله ابتدا مفهوم حکمرانی و سپس مسئله پدیداری دولت مدرن، ویژگی‌های آن و نقش دولت در اقتصاد از منظر مکاتب و گرایش‌های مختلف بررسی شده است. در متن مقاله نیز رابطه مفهوم حکمرانی خوب با حقوق بشر به عنوان معیار ماهوی حکمرانی خوب بیان گردیده است.

¹. Good Governance

مقاله دیگر با عنوان «جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب» نوشته پرویز امامزاده فرد است که در فصلنامه حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۱ در ۱۳۹۱ منتشر شده است. خلاصه پژوهش این است که میزان تعهد و پایداری حکومت‌ها به ابعاد مختلف حقوق بشر یعنی به حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، شاخص حکمرانی مطلوب می باشد. مقالات و کتاب‌های دیگری نیز به موضوع حکمرانی پرداخته‌اند که به منظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می شود.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

۲-۱- چارچوب مفهومی حکمرانی

از دهه ۱۹۹۰ در ادبیات سیاسی جهان واژه «حکمرانی» رایج شد که مفهومی وسیع تر از حکومت^۱ دارد (امامزاده فرد، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ (Emamzadehfard, 2011: 35). تا کنون در باره حکمرانی معانی و تفاسیر متفاوتی ارائه شده است. حکمرانی به مفهوم حاکمیت شبکه‌هایی است که جامعه مدنی را با دولت پیوند داده و فرآیند رهبری و هدایت جامعه را برعهده دارند. بنابراین «حکمرانی فقط شامل بازیگران و نهادهای دولتی نمی‌شود، بلکه جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد» (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۱۰۱)؛ (Naqibimonfard, 2010: 101). در پرتو حکمرانی، مرزبندی بخش‌های عمومی، خصوصی و جامعه مدنی کمرنگ‌تر جلوه می‌نماید. زیرا به همه فرآیندهای اداره عمومی اشاره دارد که توسط دولت، بازار و شبکه‌ها در سازمان‌های رسمی یا غیررسمی و از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا حتی زبان، اعمال می‌گردد. به این ترتیب حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن، شهروندان و تشکل‌ها، منافع خود را ابراز نموده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا کرده و اختلافات موجود را با میانجی‌گری حل می‌نمایند (برادران شرکاء، ۱۳۸۶: ۳۶۲)؛ (Baradran Shoraka & Malek, 2008: 362).

در قانون اساسی هر کشوری، شیوه حکمرانی مشخص شده است. «حکمرانی به مفهوم وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است» (Graham et al., 2003: 57). اساسی‌ترین مفهوم حکمرانی، آنست که نمی‌توان دولت را تنها کنشگر مستقل و دارای قدرت مطلقه در جامعه دانست، بلکه «بخش عمومی، جامعه مدنی و بخش خصوصی به شیوه‌های گوناگون به هم وابسته بوده و سهم قابل توجهی از سیاستگذاری‌ها و خط‌مشی‌ها بر اساس مرادده با سایر بخش‌ها، تنظیم شده و اجرا می‌شود» (Riggs, 2010: 259).

۲-۲- مبانی نظری کارکردی حکمرانی‌ها

فلسفه حکمرانی، ایجاد بسترها و اقداماتی با هدف افزایش سطح رفاه اجتماعی، فراهم کردن آرامش، خوشحالی و توسعه رضایت مردم است. بدینمنظور وضعیت و کیفیت حکمرانی‌ها را در دو حوزه «کارکردی» و «چگونگی تشکیل و «روی کار آمدن» دولت‌ها می‌توان سنجید. در عرف

^۱. Government

جهانی همه حکومت‌ها باید بتوانند وظایف اصلی خود را به‌خوبی انجام دهند، تا کارآمد و مفید تلقی شوند. وظیفه اصلی حکمرانی‌ها «اعمال اقتدار از طریق نهادهای مختلف» (Kaufman, 2003: 5) جهت ایجاد رشد و توسعه پایدار، متوازن و عادلانه است. بنابراین وظایف کارکردی حکمرانی‌ها به‌طور کلی عبارتند از:

اول، دفاع از مملکت و حفظ تمامیت ارضی و نیل به توافق، تفاهم و قاعده‌مندی با همسایگان، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای به منظور به‌حداقل رساندن آسیب‌پذیری‌های کشور؛ دوم، تأمین نظم و امنیت در همه حوزه‌ها برای آحاد مردم؛ سوم، برقراری عدالت و قضاوت درست و عادلانه در اختلافات بین مردم به‌منظور کاهش تنش‌ها و افزایش سازگاری در جامعه؛ چهارم، ایجاد بسترهای مناسب برای کسب و کار مردم جهت داشتن جامعه‌ای مرفه و بانشاط؛ پنجم، ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و دخالت کمتر در فعالیت‌های اقتصادی و تصدی‌گری و همچنین تنظیم رفتارهای مالی دولت به‌گونه‌ای که مشوق تولید و برطرف‌کننده فقر باشد؛ ششم، داشتن دستگاه‌های اداری و حاکمیتی کارآمد و چالاک؛ هفتم، ایجاد سازوکارهای مناسب برای گردش قدرت بدون خونریزی و سپردن سرنوشت مردم به‌دست خویش و امکان عزل منتخبین قبلی و زمان‌دار بودن تمام مسئولیت‌ها؛ هشتم، برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای مختلف جهان و کاهش تنش‌ها با دولت‌های متخاصم؛ نهم، اجازه ندادن به قدرت‌های خارجی برای مداخله در تصمیم‌گیری‌های کشور؛ و دهم، برنامه‌ریزی جهت عدم ایجاد فاصله طبقاتی.

اما دولت‌ها برای تأمین استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی نیاز به «قدرت» و «اقتدار» دارند. بنابراین برخورداری از چهار مولفه زیر برای تأمین منابع قدرت و اقتدار ضرورتی غیرقابل اجتناب است:

اول، داشتن «قدرت اقتصادی» و تولید ثروت ملی: تجربه بشری نشان داده است که قدرت اقتصادی با شکل‌گیری حکمرانی اقتصادی مبتنی بر نظام بازار آزاد به دست می‌آید. دولت‌ها از طریق تعامل و ایجاد رابطه منطقی با کشورهای مختلف دنیا، بر اساس اصول تجارت آزاد بین‌المللی و با تکیه بر ظرفیت و توان بخش خصوصی و باز کردن راه برای حضور تولیدات کشور در بازارهای جهانی و در عرصه رقابت‌های بین‌المللی می‌توانند زمینه را برای افزایش توان اقتصادی فراهم کنند. کشورهایی که با هم روابط تجاری گسترده دارند به شدت برای حفظ روابط صلح‌آمیز انگیزه بالایی دارند (Meiser, 2018: 2-4).

دوم، تشکیل «قدرت نظامی» و تأمین توان بازدارندگی متناسب با تهدیدات متصور و برآمده از توان اقتصادی: یکی از مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های اقتدار، میزان برخورداری از «قدرت سخت نظامی» و توان امنیتی است. اما لزوماً اقتدار، تنها متکی به توان سخت «نظامی» و «امنیتی» نیست، بلکه جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز از شاخصه‌های مهم اقتدار برای رتبه‌بندی پیشرفت و توسعه کشورهاست.

سوم، بهره‌گیری از «قدرت نرم» و برخورداری از فرهنگ و تفکر و تمدن و استفاده از دیپلماسی عمومی؛ و چهارم، تلاش برای ایجاد «وحدت ملی»، انسجام و امنیت به منظور ایجاد «قدرت ملی».

با توجه به نکات فوق می‌توان از حاصل اقدامات و نتیجه عملکرد هر حاکمیتی به ویژگی‌ها و میزان مطلوبیت حکمرانی پی برد. ایجاد بستر مناسب برای ساخت «مدینه فاضله» و یا «جامعه سالم» می‌تواند نتیجه یک حکمرانی مطلوب باشد که در آن «حقوق بشر رعایت می‌شود» (Rowntree, 2009: 23-27).

جهان امروز براساس سیاست‌های چند بُعدی و با بهره‌گیری از سرمایه، دیپلماسی، تولید، فناوری، یادگیری و تجارت، اداره و مدیریت می‌شود. دولت‌ها باید با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب برای جلوگیری از کاهش مستمر ارزش پول ملی، زمینه تولید ثروت توسط شهروندان را فراهم آورند. زیرا تا ثروت و مازاد در اختیار دولت‌ها نباشد، ارکان دیگر قدرت معطل می‌مانند. حکمرانی در دنیای امروز ارتباط زیادی با کاهش قانون‌گذاری، تسهیل فضای کسب و کار، احترام به عرف، دین و سنت، طبیعت، زبان، تاریخ و بازار دارد. اکثر بازیگران بین‌الملل، بخشی از تقسیم کار جهانی را قبول کرده‌اند و مأموریت دولت‌ها، امور حاکمیتی است. بنابراین حکمرانی باید برای آزادسازی ارتباطات بشری برنامه ریزی کند. به تعبیر مولانا:

کیست مولانا، آن که آزادت کند
بنند رقیب ز پایت برکنند
چون به آزادی، نبوت هادی است
مومنان را ز انبیاء آزادی است

(مولوی، دفتر ششم، بخش ۱۲۹)؛ (Molavi, 2022: Vol. 6: Part 129)

۳- حکمرانی معیوب و مطلوب: تعاریف، ویژگی‌ها، مولفه‌ها و الزامات

۳-۱- تعریف حکمرانی معیوب

نظام تدبیر و چگونگی اعمال حاکمیت بیانگر نوع حکمرانی است. کارآمدی و ناکارآمدی و همچنین میزان اثربخشی، مرز بین حکمرانی‌های مطلوب و معیوب را مشخص می‌کند. حکمرانی معیوب، حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را نمی‌پذیرد و رابطه حاکمیت و مردم به صورت رابطه خدایگان و برده تنظیم می‌شود. از طرفی سیاست‌گذاری نادرست و نظام تدبیر ناکارآمد، موجب کاهش کیفیت حکمرانی می‌شود. حکومت‌های فشل، دارای حکمرانی معیوب هستند و موجب افزایش فقر و فساد و تبعیض در جامعه می‌شوند. در حکمرانی معیوب مشکلات اساسی و ابرچالش‌ها مثل تورم، بیکاری، فقر، فرارمغزها، بحران آب، فرار سرمایه، روابط بحرانی با بعضی از کشورها، یارانه‌ها و نارضایتی حل نمی‌شوند و به عنوان معضل مستمر باقی می‌مانند.

طبیعی است که عدم تکیه بر دانش و یافته‌های علم برای حل معضلات کشور، موجب ناکارآمدی حکومت‌ها و جهل بی‌توفیق می‌شود. همچنین عدم انسجام و ناهماهنگی در اجزای دستگاه‌های مختلف حاکمیتی و ارکان دولت نیز باعث ناکارآمدی ساختاری می‌شود.

در حکمرانی معیوب تلفات ناشی از حوادث رانندگی و تصادفات، سیل، آتش سوزی، ریزش ساختمان‌ها، سوانح هوایی و ریلی، خروج مغزها و نخبگان از کشور و تنش در مسائل اجتماعی

¹. Surplus

². Effectiveness

بالاست. از طرفی وضعیت محیط زیست در همه حوزه‌ها مثل آب و خاک، آلودگی هوا، تخریب جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن هورها و تالاب‌ها به طور مستمر رو به وخامت می‌رود. البته در هیچ‌جا جهانی حکمرانی کاملاً معیوب وجود ندارد. واقعیت اینست که همین حکمرانی و نظم معیوب، امکاناتی را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد که از بی‌حکومتی بهتر است. ولی برای افزایش کارآمدی و اثربخشی، باید از حکمرانی معیوب فاصله گرفت.

۳-۲- ویژگی‌های حکمرانی معیوب

در نظام حکمرانی معیوب، حکمرانان خود را دارای حق حاکمیت بر دیگران می‌پندارند و قاعده «الحق لمن غلب»^۱ مبنای حکمرانی است. مردم نقش چندان و تأثیر مهمی در نوع مدیریت امور کشور، فراز و فرود و ظهور و سقوط حاکمان ندارند. حکمرانی معیوب به آزادی‌ها و حقوق شخصی انسان‌ها باور ندارد. حاکم اصلی از طریق یک دایره بسیار محدود گزینشی از افراد وفادار و مطیع، حکومت می‌کند. همین امر موجب تمرکز قدرت در دست حاکم، ایجاد فساد و بحران مشروعیت و باعث بی‌ثباتی حکومت می‌شود.

حکمرانی معیوب، دولت را به‌منزله کارگزاری و نمایندگی از شهروندان، نمی‌داند بلکه حاکمیت را هادی جامعه به سوی اهداف مورد نظر و برتر و مستقل از خواست مردم می‌داند. رابطه حاکم با دیگران، مبتنی بر اجبار و زور است و اراده، نظر، رأی و رضایت مردم در سیاست‌ها، اعتبار چندان ندارد. حاکمان بر مبنای مدل وراثت مثل حکومت‌های شاهنشاهی و یا کودتا و یا با هجوم نیروهای بیگانه تغییر می‌یابند.

در نظام حکمرانی معیوب اساساً مقوله‌ای به نام «حقوق مردم» معنا و مفهوم واقعی ندارد. مردم به عنوان «تابع و رعیت» تلقی می‌شوند و «صاحب رأی و اراده» به حساب نمی‌آیند و صاحب حق تعیین حاکمان، شمرده نمی‌شوند. رابطه حاکم با زیردستان، مبتنی بر «حق و اختیار مطلق حاکم» در برابر «تکلیف و تبعیت کامل تابع» می‌باشد. در یک کلام این رابطه از قاعده ساده «اقتدار مطلق در برابر اطاعت محض» پیروی می‌کند. مردم وادار به پذیرش حکومت و اطاعت از حاکمان می‌شوند. از طرفی نیروهای مسلح به‌جای تمرکز بر وظایف اصلی خود از جمله حفظ تمامیت ارضی، در مقولاتی مانند سیاست، اقتصاد و فرهنگ نیز وارد می‌شوند.

در حکمرانی معیوب، «ارادت‌ورزی» جایگزین «لیاقت‌سالاری» و «وفاداری به مدیران» جای دانش و تخصص را می‌گیرد. «قوانین سیال» به‌جای «قوانین نسبتاً پایدار» می‌نشینند و «دادگستری مطیع» جایگزین «قضاوت مستقل» می‌شود. «انتخابات مهندسی شده» به‌جای «انتخابات آزاد و رقابتی» و «آزادی بیان» به «آزادی توجیه رفتار حاکمان» تبدیل می‌شود. در یک کلمه «امهات دین الهی» به‌محاق می‌رود. بنابراین در حکمرانی معیوب «اصرار بر تکرار خطا» وجود دارد. حاکمان هم هر نوع تغییر مثبتی در شیوه حکمرانی و در اداره جامعه را عقب‌نشینی تلقی می‌کنند. مفاهیمی مانند حقوق بشر، مردم‌سالاری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مشارکت

^۱. Might is Right

مردم، حاکمیت قانون،^۱ توسعه همه‌جانبه و بهره‌گیری از تجربیات جهانی جایگاه مناسبی ندارد (Buchanan, 2013: 141).

از دیدگاه امام علی علیه السلام چهار عامل موجب شکست دولت‌ها می‌شوند: *يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ ادْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَاخِيرِ الْأَفْضَالِ* (آمدی، ۱۳۸۶: ۳۴۲)؛ (Amadi, 2007: 342)؛ یعنی: اول، ضایع کردن اصول (مسائل مهم)؛ دوم، سرگرم شدن به فروع (امور کم‌اهمیت)؛ سوم، جلو انداختن افراد کم‌مایه؛ و چهارم، کنار گذاردن انسان‌های فرهیخته.

البته در حکمرانی معیوب تلاش‌های زیادی انجام می‌شود، ولی کارکرد آن، موجب افزایش رضایت مردم نمی‌گردد. به تعبیر قرآن در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف: *قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا*.

۳-۳- لزوم تغییر حکمرانی معیوب

حکمرانی معیوب از درون دچار فرسودگی می‌شود و قابلیت بقا و دوام ندارد. وقتی با نارضایتی‌های مردم مواجه می‌شود به دنبال کنترل نارضایتی‌ها و نه ریشه کن کردن آنها می‌رود. در اسلام حکمرانی معیوب با عنوان طاغوت معرفی شده که باید از آن دوری جست. در آیه ۳۶ سوره نحل قرآن آمده است: *وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ*. همچنین بر طبق دیدگاه قرآنی در آیه ۱۱ سوره رعد، خود مردم باید سرنوشت خویش را تغییر دهند: *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*.

شاید به همین دلیل است که وقتی امام حسین علیه السلام می‌خواست برای بیعت نکردن با یزید از مکه خارج شود، وصیت نامه‌ای به این شرح نوشت: *«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي»* (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۱۹)؛ (Motahari, 1998: 219)؛ یعنی: من برای جاه‌طلبی و کام‌جویی و آشوبگری و ستمگری قیام نکرده‌ام، بلکه برای اصلاح در کار امت جدم قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه جد و پدرم رفتار نمایم.

همچنین امام در مواجهه با قوای یزید در کوفه فرمود: *«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنْ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَ لَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ. أَلَا وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزَمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَظْهَرُوا الْفُسَادَ، وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ وَ اسْتَأَثَرُوا بِالْفَقِيءِ، وَ أَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ، وَ حَرَّمُوا حَلَالَ اللَّهِ، وَ أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ»* (داودی و رستم‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۷۱)؛ (Davoudi &

Rostamnejad, 2009: 371). یعنی: ای مردم! پیامبر خدا فرمودند: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتار می‌کند و او با زبان و کردارش با وی به مخالفت برنخیزد، سزاوار است خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر بیاندازد. این گروه به طاعت شیطان پایبند شده و از

^۱. The rule of law

پیروی خداوند سربیزی کرده اند، فساد را آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل کرده اند. آنان بیت المال را به انحصار خویش درآورده، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام شمرده‌اند و من به قیام برای تغییر این اوضاع از همه کس سزاوارترم.

بنابراین تلاش برای تغییر حکمرانی معیوب یک اقدام لازم است.

۳-۴- ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی مطلوب

واژه «حکمرانی خوب» برای نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۵)؛ (Eyvazi et al., 2018: 55). مهم‌ترین ویژگی‌های محوری حکمرانی مطلوب، شفافیت، پاسخگویی، عدالت و کارآمدی است (کردنائیج و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹)؛ (Kordnaiej et al., 2021: 49). داشتن چنین ویژگی‌هایی نیازمند واقع‌بینی، جامع‌نگری، دانایی محوری، شایسته‌سالاری، دوری از تندروی و کندروی در سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های حاکم بر جامعه است. در حکمرانی مطلوب مفروضاتی به شرح زیر وجود دارد:

اول، هر کشوری ملک مشاع همه شهروندان با سهم مساوی است. بنابراین توزیع عادلانه قدرت، مقدم بر توزیع منصفانه ثروت است (Langbein & Knack, 2009: 31)؛ دوم، کسی یا جریانی یا گروهی و حزبی بر کسان یا احزاب و جریان‌های دیگر برتری ندارد؛ سوم، همه مردم با هر نوع اندیشه و فکر و سلیقه و دینی، به رسمیت شناخته می‌شوند تا با تفاهم و سازگاری در کنار همدیگر زندگی کنند؛ چهارم، کسی حق ندارد باورها و رویکردهای خود را بر دیگران تحمیل کند؛ پنجم، فعالیت‌های افراد، گروه‌ها و احزاب برای کسب قدرت و کنار زدن حاکمان موجود، براندازی تلقی نمی‌شود؛ ششم، حکمرانی مطلوب، فضا را جهت زندگی راحت که در آن خیر جمعی رعایت شود، فراهم می‌آورد؛ هفتم، در حکمرانی مطلوب بین مقوله‌های «آزادی» شهروندان و «امنیت» اجتماعی و بین «آزادی» و «ثبات» در جامعه، توازن برقرار می‌شود.

حکمرانی مطلوب با ایجاد نظام «دولت-ملت» شکل می‌گیرد. منظور از دولت‌سازی تأسیس نهادهای عینی مانند ارتش، دادگستری، پلیس، ساختار اداری، قوانین و دستورالعمل‌های مورد نیاز است. در مقابل ملت‌سازی ایجاد حسی از هویت ملی است که افراد به آن وفادار باشند. ملت‌سازی برخلاف دولت‌سازی نیازمند ایجاد موارد ناملموسی چون سنت‌های ملی، نمادها، حافظه تاریخی مشترک و مراجع مشترک فرهنگی است (جمالی، ۱۴۰۱: ۱)؛ (Jamali, 2002: 1).

در حکمرانی مطلوب رابطه‌ای متوازن بین حکومت‌کنندگان با حکومت‌شوندگان ایجاد می‌شود. در این تحول بنیادین، اساس رابطه دولت - ملت دگرگون شده و حکومت منتخب، جای دولت غیرمنتخب، موروثی و جائر را می‌گیرد. مردم صاحب حق شده و به تعبیر امام خمینی «ولی نعمت» حکومت می‌شوند و دولت متعهد و متکلف به دفاع از حقوق مردم می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶: ۲۵)؛ (Imam Khomeini, 2008, Vol. 16: 25).

¹. World Bank

². Transparency

عنصر اساسی «زور و اجبار»، جای خود را به مقوله «رضایت و توافق» به‌عنوان مبنای رابطه بین دولت و ملت می‌دهد. در هر صورت در حکمرانی مطلوب، «قانون» حاکمیت دارد. یعنی دولت، دیدگاه اکثریت جامعه را در قالب قانون و مقررات متجلی می‌کند. هدف از وضع قانون، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی است. طبیعی است که قانون باید مبتنی بر اراده عمومی ملت، همه‌شمول، دارای سازگاری درونی و غیرمتناقض، پایدار، بدون تبعیض، واضح و همه‌فهم، قابل اجرا و متناسب با توانایی جامعه باشد.

از شروط اصلی موفقیت حکمرانی، بروزرسانی قوانین و رویه‌ها متناسب با تحولات محیطی و خواست اکثریت است. در هر صورت قانون باید منبعث از اراده مردم و در سازگاری تمام با وجدان عمومی جامعه باشد تا به‌طور طبیعی از سوی شهروندان مورد رعایت قرار گیرد و بتواند معطوف به آینده و موجب برقراری نظم شود و امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را قابل پیش‌بینی سازد. بنابراین مفهوم حاکمیت قانون، کنترل حاکمان و پاسخگو ساختن آنان در برابر قانون همچون سایر شهروندان می‌باشد. بر همین اساس است که امام خمینی می‌گوید: «دزدها از قانون بدشان می‌آید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می‌آید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۴: ۴۱۴)؛ (Imam Khomeini, 2008, Vol. 14: 414).

در هر صورت حکمرانی مطلوب در سایه یک سیاستگذاری عمومی کارآمد و اثربخش امکان ظهور می‌یابد. حکمران خوب را می‌توان معادل همان سیاستگذار ارشد کارآمد قلمداد کرد (Shah Huther, 1998: 12). & سیاستگذاری عمومی کارآمد، پیوندی فشرده با بسیاری از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب مثل مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی^۱ و مسئولیت‌پذیری دارد.

۳-۵- الزامات تحقق حکمرانی مطلوب

حکمرانی مطلوب به باورهای مردم و به عقاید مسوولان اجرایی کاری ندارد و آن را امری شخصی می‌داند. حکمرانی مطلوب به همه مردم به صورت یکسان و تساوی^۲ می‌نگرد و به‌دنبال پیشبرد برنامه‌های تعریف شده و روشن برای پیشرفت کشور و تأمین رفاه مردم است (Ottv, 2010: 253). قوام و دوام حکمرانی مطلوب به رعایت قواعد زیر بستگی دارد:

۳-۵-۱- قاعده «مشارکت و رضایت»

حکمرانی مطلوب نیازمند الزاماتی است که مهم‌ترین آن‌ها، پذیرش مشارکت^۳ و ایجاد رضایت در بین مردم است. با مشارکت اقشار مختلف مردم در تشکیل حاکمیت، نظام «دولت - ملت» ایجاد می‌شود. مشارکت گروه‌های مختلف در تشکیل دولت که از طریق انتخابات آزاد صورت می‌گیرد، موجب رضایت و اعتماد اکثریت مردم می‌شود. به این ترتیب فرصت رشد برای همگان بوجود می‌آید و رقابت سالم ایجاد می‌شود. به تعبیر قرآن در آیه ۱۴۸ سوره بقره: «فَاسْتَبِقُوا الْحَيَاتِ»؛ یعنی همه در فعالیت‌های درست از یکدیگر سبقت بگیرند. از طرفی برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی،

¹. Accountability

². Equality

³. Participation

موجب می‌شود تا مردم بتوانند در صورت لزوم حاکمان موجود را کنار بگذارند و افراد جدید را انتخاب کنند. به این ترتیب سلامت حکمرانی تا حدود زیادی تأمین می‌شود. البته زد و بند‌های سیاسی و تبلیغات گمراه‌کننده در انتخابات‌ها، تا حدود زیادی سلامت حکمرانی را ناکارآمد می‌سازد و گاهی خود انتخابات به بستری برای زایش فساد^۱ در کشورها تبدیل می‌شود (کریمی، ۱۴۰۰)؛ (Karimi, 2021).

۳-۵-۲- قاعده «تبعیت دولت از ملت»

در حکمرانی مطلوب دولت تابع آرا و خواست مردم است. امام خمینی در این باره خطاب به نمایندگان مجلس خبرگان می‌گوید: «دمکراسی این است که آراء اکثریت معتبر است. اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است ولو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید، ولی آنها نیستید. بر طبق آن طوری که خود ملت مسیرش هست. شما هم خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست. شما آن مسائلی که مربوط به وکالتان هست و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب، باشد. ملت می‌خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد. ملت رأی داده؛ رأی که داده متبع است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۹: ۳۰۴)؛ (Imam Khomeini, 2008, Vol. 9: 403). اصولاً مقوله حکمرانی خوب به منظور نهاده‌سازی روابط دولت-ملت شکل گرفته است تا در قالب آن، همه بخش‌های موجود در جامعه اعم از دولتی، خصوصی و مدنی نسبت به مسائل اجتماعی و عمومی جامعه احساس مسئولیت کنند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۶۲)؛ (Qalipour, 2008: 62).

۳-۵-۳- قاعده «پابندی دولت به آزادی و حقوق بشر»

به رسمیت شناختن حقوق مردم و نیز رعایت آزادی‌های اساسی و زمینه‌سازی برای اعمال حق شهروندی از وظایف حکمرانی است. اصل حمایت از امنیت، حقوق و آزادی‌های مردم، از تکالیف اساسی دولت است. احترام به عزت و کرامت انسانی، برابری حقوق زن و مرد، انصاف و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌الملل می‌توانند برقرار کننده صلح باشند (شیرجیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۱)؛ (Shirjjan et.al., 2022: 111).

۳-۵-۴- قاعده «پذیرش و تحمل مخالف»

حکمرانی مطلوب فضای مناسب را برای زندگی توأم با آرامش برای شهروندان فراهم می‌کند. از سوی دیگر همه انسان‌ها برای یک زندگی مطلوب به بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر نیاز دارند. سعه صدر و تحمل دیگران شرط تداوم حکمرانی مطلوب است. در قرآن در سوره طه آیات ۲۵ تا ۲۸ به این مسئله اشاره شده است: رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

¹. Corruption

يَفْقَهُوا قَوْلِي.

با پذیرش مخالف، یک نوع فرهنگ جمعی در بین افراد جامعه شکل می‌گیرد به طوری که باهم کار کردن، مشورت کردن، هماهنگ کردن، منافع جمع را دیدن، متمرکز بودن، منظم بودن، قابل اتکاء بودن، به زمان حساس بودن، قانع بودن، سهم خود را از یک کلیت درست انجام دادن، درست دنبال کردن آیین نامه‌ها، وفادار بودن، سرعت در انجام وظیفه، مسئولیت قبول کردن و تخصص را پذیرفتن به یک رویه متداول تبدیل می‌شود. چنین فرهنگی موجب، پرسیدن فراوان، گوش کردن، زود قضاوت نکردن، سکوت کردن، وارد نشدن در حیطه‌ای که تخصص شخص نیست، دقیق بودن و کارآمد بودن می‌شود. حکمرانی مطلوب باید بتواند سطح رفاه مردم، امنیت جامعه و قدرت ملی کشور را بهبود بخشد. همکاری آحاد مختلف مردم با یکدیگر موجب ساخت یک جامعه مطلوب می‌شود.

۴- تفاوت‌های حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب و ارزیابی کیفیت حکمرانی

۴-۱- تفاوت‌های حکمرانی مطلوب و معیوب

از نگاه سیستمی تفاوت اصلی حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب، چگونگی سازماندهی و نوع ساختارهای حاکمیتی است. نظام حکمرانی مطلوب از «سیستم‌های باز» سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای اداره کشور بهره می‌برد، اما حکمرانی معیوب متکی بر «سیستم‌های بسته»، دستگاه‌های حکومتی را اداره می‌کند. نظام‌های سیاسی باز در طول تاریخ برتری چشمگیری در توانایی رقابت با قدرت‌های اقتدارگرا در مقایسه با نظام‌های سیاسی بسته یا نیمه‌بسته، داشته‌اند. بنابراین حکمرانی مطلوب با بهره‌گیری از «سیستم‌های حاکمیتی باز» عامل رونق و شکوفایی اقتصادی و رعایت حقوق بشر در هر کشوری است (Bevir, 2011: 12).

از نظر نوع انتخاب دست اندرکاران نیز مبنای حکمرانی معیوب فقط بر وفاداری زیردستان و نه الزاماً شایستگی و توانمندی آنها استوار است. اما در حکمرانی مطلوب معیار انتخاب کارگزاران، صلاحیت تخصصی و حرفه‌ای و توانایی آنها برای اداره امور است. حکمرانی مطلوب به تولید ثروت با تکیه بر سرمایه‌انسانی کشور از طریق ایجاد فضای کسب و کار مناسب نیاز دارد، ولی حکمرانی معیوب زمینه‌های لازم را برای توسعه و تولید ثروت فراهم نمی‌کند.

حکمرانی مطلوب نیاز به فهم درست از جهان دارد تا بتواند گروه‌های اجتماعی و منافع مردم را به خوبی درک نماید. حکمرانی مطلوب باید مراقب باشد تا کشور در انزوای بین‌المللی قرار نگیرد تا بتواند از امکانات و ظرفیت‌های جهانی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و افزایش رفاه مردم استفاده کند (Hilpold, 2002: 53).

بنابراین شیوه حکمرانی معیوب به شرح زیر است: اول، بی‌قانونی: حاکمیت قانون موجب اقتدار نظام، برقراری امنیت فردی و اجتماعی، محدودیت قدرت کارگزاران و تکلیف پاسخگویی برای اقدامات آنان و همچنین احترام به افکار عمومی خواهد شد. در واقع حاکمیت قانون، دولت را

¹. Functionalism

موظف می‌کند برای اتخاذ هر تصمیم و تدبیری منطبق با مقررات عمل کند؛ دوم، بی‌طرف نبودن حکومت در حوزه‌های مختلف قضایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک؛ سوم، اداره کشور به صورت یک‌طرفه و از بالا به پایین و تک‌گویانه؛ چهارم، عدم دریافت بازخور از مردم در باره تصمیمات و دستورات حکومتی و نشیندن انتقادات؛ پنجم، عدم بهبود مستمر ابزارها و روش‌های حکمرانی؛ ششم، حضور افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای در مناصب مهم کشور؛ و هفتم، فقدان پاسخگویی در باره اقدامات حاکمیت.

بنابراین شیوه حکمرانی معیوب، موجب بروز «بحران ناکارآمدی» و «بحران مشروعیت» می‌شود. اما مهم‌ترین ویژگی حکمرانی مطلوب، بی‌طرف بودن حاکمیت در وضعیت اجرای قوانین و قرارگرفتن دولت در نقش داور برای فعالیت‌های آزادانه مردم است. وجود «قانون» و «عدالت» و برخورداری از حاکمان بصیر و صالح منتخب مردم، ضامن اجرای حکمرانی مطلوب است. پس در حکمرانی مطلوب: اول، نصب و عزل حاکمان با مشارکت عمومی و مستقیم مردم از طریق انتخابات آزاد و صندوق رأی انجام می‌شود؛ دوم، اختیارات حاکمیت در محدوده قانون اساسی و قوانین مجلس شورا است و فقط میل و اراده شخص اول مملکت، حاکم بر کشور نیست، بلکه گفتار و کردار حاکمان مبتنی بر قانون و در چارچوب قانون نمایندگان مردم است (UNSCAP, 2002:15)؛ سوم، حاکمان به مجلس، افکار عمومی، مطبوعات و رسانه‌ها پاسخگو هستند؛ چهارم، بی‌طرفی^۱ نسبت به آحاد مردم، فضیلت حکمرانی مطلوب است. به تعبیر امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر: فَانَّهُمْ صِنْفَانِ اِمَّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ و اِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، انسانها یا برادر دینی‌اند و یا در خلقت مشابه یکدیگرند.

بنابراین برای نیل به حکمرانی مطلوب باید: اول، ساختارهای مناسب برای حکمرانی ایجاد شود تا حکومتی چالاک برای تأمین رضایت مردم و ثبات سیاسی بوجود آید و همبستگی ملی برقرار شود؛ دوم، ساختارهای حاکمیتی به گونه‌ای تنظیم شود تا در اختیار گرفتن قدرت از سوی افراد و احزاب و گروه‌ها به صورت چرخشی بین منتخبین مردم باشد؛ سوم، سازماندهی دستگاه‌های حاکمیتی به گونه‌ای باشد تا حکومت بتواند با بهره‌گیری از فناوری‌های روز، وظایف خود را با کمترین هزینه انجام دهد و امکان بروزرسانی آنها وجود داشته باشد؛ چهارم، سازوکارهای انتخاب افراد برای مسئولیت‌ها به گونه‌ای باشد که کارگزاران و افراد شایسته بکار گمارده شوند. یعنی افرادی که تخصص و مهارت لازم برای مسئولیت‌ها وگذار شده را داشته باشند و متقی باشند تا حکمرانی را ملک شخصی خود تلقی نکنند بلکه آن‌را امانت بدانند. خداوند در آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ اَنْ تُوَدُّواْ الْاٰمٰنٰتِ اِلٰى اٰهْلِهَا وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ، اِنَّ اللّٰهَ نَعَمًا يَّعِظُكُمْ بِهِ، اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا بَصِيْرًا یعنی: همانا خدا به شما امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو

¹ Impartiality

² Political Stability

می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست.

پنجم، قانون بر کشور حاکم باشد و ساختار حاکمیت، اجرای قانون را تضمین کند و دستگاه‌های نظارتی فقط به دنبال اجرای قانون باشند؛ ششم، شهروندان کشور دارای منزلت اجتماعی برابر و مبتنی بر حقوق شهروندی باشند؛ هفتم، از استبداد پرهیز و تمرکززدایی از قدرت صورت گیرد؛ هشتم، عدالت اجتماعی در قانون‌گذاری و در اجرا برقرار شود؛ نهم، از شیوه‌ها و روش‌های بروز و فناوری‌های پیشرفته و کارساز بهره‌گیری شود به گونه‌ای که امور مردم به‌طور مستمر تسهیل گردد؛ دهم، پذیرش وجود مخالفین و نقد حاکمان: النصیحه لائمة المسلمین؛ یازدهم، ظلم نکردن به مردم خود و سایر کشورها و زیر بار ظلم و زور نرفتن، طبق آیه ۲۷۹ سوره بقره: لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ.

مشاهده می‌شود که در قرآن کریم و نهج‌البلاغه و معارف اهل بیت علیهم السلام بهترین مبانی حکمرانی مطلوب وجود دارد. البته بایستی فهم از اصول و مبانی اسلامی بروز شود تا مردم دچار برداشت‌های غلط و غیرعقلانی از دین و احکام الهی نشوند.

۴-۲- چگونگی ارزیابی کیفیت حکمرانی

هدف از حکمرانی حل مسائل و معضلات جامعه است. برای اندازه‌گیری چگونگی کیفیت حکمرانی نیاز به خط‌کش یا شاقل و معیارهای ارزیابی است. مهم‌ترین شاخص‌های پذیرفته شده جهانی برای حکمرانی مطلوب عبارتند از: اول، تلاش دولت برای کاهش اندازه فساد؛ دوم، اثربخشی حکومت؛ سوم، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت؛ چهارم، کیفیت تنظیم‌گری حکومت و کنترل روابط اقتصادی؛ پنجم، شفافیت در فرآیندهای قانونی و حاکمیت قانون و بی‌طرفی دولت در حوزه‌های مختلف؛ و ششم، پاسخگویی.

هر حکومتی که در ارزیابی شاخص‌های فوق، نمره بالاتر از صفر کسب کند به سمت حکمرانی مطلوب حرکت کرده و هر دولتی که نمره کمتر از صفر دریافت کند، دارای حکمرانی معیوب است. اولویت اول در حکمرانی مطلوب، رعایت حقوق بشر و رشد و توسعه اقتصادی است (Acemoglu, 2008: 35).

به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی معیوب، بی‌اعتنا به دیدگاه‌های جامعه، بی‌توجه به توسعه، گسترش دهنده فقر، غیرقابل اعتماد، اتلاف‌کننده منابع، غیرمنعطف، نادیده گرفتن حقوق بشر، ناامن، فاسد، تقویت‌کننده نابرابری‌ها و منفعل در برابر تخریب محیط زیست و تغییرات اقلیمی و با وعده‌هایی شکست‌خورده است. در مقابل، حکمرانی مطلوب دارای قابلیت انطباق با شرایط محیطی، الهام‌دهنده، سهم‌کننده همه مردم در امنیت و رفاه، قابل اعتماد و متمرکز بر توسعه، اثربخش، با بهره‌وری بالا و در حال مقابله با تخریب محیط زیست، دارای انتخاب‌های سنجیده و جهت‌گیری‌های امیدبخش، دارای قابلیت پاسخ‌دهی به تقاضاهای جامعه، تأمین‌کننده امنیت، قادر به درک چالش‌ها، آماده برای رویارویی با بحران‌ها، در جست‌وجوی یافتن و بهره‌گیری از فرصت‌ها و همچنین توانا در مهار بحران‌هاست.

از طرفی حکمرانی معیوب برای کارآمدی به فناوری‌های روز و شبکه‌های مجازی توجه

نمی‌کند و به جای تمرکز بر ارائه و بهبود خدمات به جامعه، گسترش دولت را دنبال می‌کند و موجب گسترش نظام بوروکراتیک با انگیزه کسب و تقویت قدرت و منافع می‌شود. در مقابل، حکمرانی مطلوب با مشارکت دادن جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی به آنها و برقراری ارتباط درست با آنها ایجاد اعتماد می‌کند.

نتیجه‌گیری

حاصل تحقیق انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از ناکامی‌های دولت‌ها، ریشه در مشکلات حکمرانی دارند. ملاک ارزیابی هر نوع حکمرانی اینست که تا چه حد زمینه فعالیت و زندگی مناسب و زیست بهتر را برای مردم فراهم می‌آورد. چهار مشخصه اصلی حکمرانی مطلوب: اول، از دید کارکردی و کارآمدی، افزایش ضریب پیشرفت و اولویت دادن به رشد و توسعه اقتصادی کشور؛ دوم، از نظر چگونگی تشکیل، ایجاد نظام سیاسی شمول‌گرا و روی کارآمدن حاکمان اصلی با رأی اکثریت مردم؛ سوم، از نظر مقبولیت، توانایی کسب رضایت اکثریت جامعه، و در کل، رعایت حقوق بشر به ویژه برای مخالفین و ناراضیان است.

در عوض حکمرانی معیوب فاقد اکثر شاخص‌های مولفه‌های حکمرانی مطلوب است. بنابراین خرابی و یا بهبود وضعیت اقتصادی کشور به کیفیت و چگونگی حکمرانی مربوط می‌شود. کیفیت حکمرانی باعث می‌شود تا سیاست خارجی در تحریم و تعلیق قرارگیرد و یا این که روابط سازنده با کشورهای مختلف برقرار شود، محیط‌زیست تخریب نشود و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی مولد منازعه و مناقشه کنار گذاشته شود و سازگاری و صلح در دستور کار قرارگیرد.

در حکمرانی مطلوب مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و مقررات بر جامعه حاکم هستند اما در حکمرانی معیوب، دیدگاه‌ها و خلیات حاکمان مبنای مدیریت کشور است. باید توجه داشت به-میزانی که جامعه بالغ می‌شود و بر ظرفیت‌ها و مطالباتش افزوده می‌شود، باید توان نظام و ساختار حکمرانی نیز بالاتر برود تا حکمرانی مطلوب به سمت حکمرانی معیوب حرکت نکند. بنابراین دولت‌ها می‌توانند با توجه به سیاست «وابستگی متقابل» از طریق همکاری و رقابت با منظومه جهانی، تعامل کنند تا «سهم اقتصادی» و در نتیجه «نفوذ سیاسی» و «تأثیر فرهنگی» در کشورهای مختلف بدست آورند. بنابراین حکمرانی مطلوب با نگاه واقع‌بینانه و با تغییر در ساختار و رویکرد و رفتار و شیوه‌های حکمرانی، متناسب با نیازهای روز و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، جامعه را به سمت آرامش، امنیت، توسعه و همگرایی می‌کشاند. اما فاصله گرفتن از شاخص‌های حکمرانی مطلوب، موجب بروز حکمرانی معیوب شده و جامعه را در مسیر رفتارهای انفعالی و یا تخریبی جهت می‌دهد و نارضایتی‌ها را افزایش می‌دهد و تولید بحران می‌کند.

¹. Development

منابع فارسی

۱. ابی طالب، علی (ع). (۱۳۹۳). نهج البلاغه، به اهتمام سید رضی، ترجمه فتح‌الله کاشانی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۲. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امامزاده فرد، پرویز. (۱۳۹۰). جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب، دوفصلنامه حقوق بشر، ۶(۱)، ۴۴-۳۱.
۴. آمدی، ابوالفتح. (۱۳۸۶). غُرُّ الْحَكْمِ وَ دُرُّ الْكَلِمِ، قم: دارالکتاب الاسلامیه.
۵. برادران شرکاء حمیدرضا و سعید ملک الساداتی، (۱۳۸۶)، حکمرانی خوب؛ کلید توسعه آسیای جنوب غربی. فصلنامه راهبرد، ۱۵(۴)، ۳۸۴-۳۵۹.
۶. بیور، مارک. (۱۳۸۹). حکمرانی؛ درآمدی بسیار کوتاه. ترجمه غلامرضا سلیمی و داود کریمی پور، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. جمالی، سید جواد. (۱۴۰۱). به سوی هویت ملی، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۰ آذر، شماره ۵۶۱۰، ۱.
۸. داودی، سعید، و رستم‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۸). عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب.
۹. شیرزبان، جلال‌الدین و همکاران. (۱۴۰۱). لیبرالیسم، حقوق بین‌الملل و حکمرانی مطلوب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۲)، ۱۲۰-۹۷.
۱۰. عیوضی، محمدحسین، مرزبان، نازنین، و صالحی، معصومه. (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد، ۲۶(۴)، ۸۵-۵۵.
۱۱. قرآن مجید
۱۲. قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک و دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. کردنائیج، اسدالله، باباشاهی، جبار، دانایی‌فرد، حسن، و آذر، عادل. (۱۳۹۱). تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۶(۴)، ۶۲-۴۵.
۱۴. کریمی، امیر هوشنگ. (۱۴۰۰). کنکاشی در مناسبات ملت-دولت‌های مدرن. دیپلماسی ایرانی، ۳۱ شهریور، در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2006190>
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷)، حماسه حسینی، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مقدری، مهدی. (۱۴۰۰). حکمرانی خوب و توسعه، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
۱۷. مولانا، جلال‌الدین محمد، (۱۴۰۱)، مثنوی معنوی، تهران: انتشارات دوستان.
۱۸. نقیبی منفرد، حسام. (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۹. هداوند، مهدی. (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر. فصلنامه حقوق اساسی، ۲(۴)، ۵۱-۸۵.

English References

1. Acemoglu, D. (2008). Interactions Between Governance and Growth. In: *World Bank. Governance Growth and Development Decision-making*, at: <https://drodrik.scholar.harvard.edu/files/dani-rodrik/files/thinking-about-governance.pdf>
2. Bevir, M. (2011). *The SAGE handbook of governance*. Thousand oaks: SAGE. *Encyclopedia of Governance*. California: SAGE Publication.
3. Buchanan, A. (2013). *The heart of human rights*. Oxford: Oxford University Press.
4. Graham, J., Amos, B., & Plumtre T. (2003). Principle for Good Governance in the 21 Century. *The Fifth World Parks Congress Durban, South Africa*; at: <https://www.montana.edu/extension/localgov/resourcesandhandouts/referencedocuments/Principles%20of%20Good%20Governance.pdf>
5. Hilpold, P. (2002). EU Development at a Crossroad. The Cotonou Agreement and the Principles of Good Governance. *European Foreign Review*, 7(3), 53-72
6. Kaufman, D. (2003). Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge Metaphor. *SSRN*, March 11, at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=386904
7. Langbein, L., & Knack, S. (2009). The worldwide governance indicators: Six, one, or none. *The Journal of Development Studies*, 52(11), 350-370.
8. Meiser, J.W. (2018). Introducing Liberalism in International Relations Theory. *International Relations*, February 18, at: <https://www.e-ir.info/2018/02/18/introducing-liberalism-in-international-relations-theory/>
9. Ottv, J.C. (2010). Good governance and happiness in nations: Technical quality precedes democracy and quality Beats Size. *Journal of Happiness Studies*, 11, 353-368.
10. Riggs Fred, W. (2010). *Development Administration Cite in Development Administration in Asia*. Edited by Edward W. Weidner, Durham: Duke University Press.
11. Rowntree, J. (2009). *The Good Governance standard for public services*, London: OPM and CIPFA.
12. Shah, A., & Huther, J., (1998). Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization. *World Bank*, 1-28. at: <https://elibrary.worldbank.org/doi/abs/10.1596/1813-9450-1894>
13. UNSCAP. (2002). What is Good Governance?, at: <https://www.unescap.org/sites/default/files/good-governance.pdf>

Translated References to English

1. Abi Talib, A. (2014). *Nahj Al-Balagha*, by Seyyed Razi, translated by Fethullah

- Kashani, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation. **(In Persian)**
2. Acemoglu, D. (2008). Interactions Between Governance and Growth. In: *World Bank. Governance Growth and Development Decision-making*, at: <https://drodrik.scholar.harvard.edu/files/dani-rodrik/files/thinking-about-governance.pdf>
 3. Amidi, A.F. (2007). *Gharar al-Hikam wa Durar al-Kalam*, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.
 4. Baradran Shoraka, H., & Malek Alsadati, S. (2008), Good Governance; The key to the development of Southwest Asia. *A Quarterly Journal of Strategy*, 15(4), 359-384. **(In Persian)**
 5. Beaver, M. (2010). *Governance; Very short income*. Translated by G. Salimi and D. Karimipour, Tehran: National Defense University Publications. **(In Persian)**
 6. Bevir, M. (2011). *The SAGE handbook of governance*. Thousand oaks: SAGE. *Encyclopedia of Governance*. California: SAGE Publication.
 7. Buchanan, A. (2013). *The heart of human rights*. Oxford: Oxford University Press.
 8. Davoudi, S., & Rostamnejad, M. (2009). *Ashura: roots, motivations, events, consequences*, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib Publications. **(In Persian)**
 9. Emamzadehfard, P. E. (2011). The Role of Human Rights in Good Governance. *The Journal of Human Rights*, 06(1), 31-44. **(In Persian)**
 10. Eyvazi, M.R., Marzban, N., & Salehi, M. (2018). A Search for Good Governance: Towards the Sustainable Governance Model. *Strategy*, 26(4), 55-85. **(In Persian)**
 11. Graham, J., Amos, B., & Plumtre T. (2003). Principle for Good Governance in the 21 Century. *The Fifth World Parks Congress Durban, South Africa*; at: <https://www.montana.edu/extension/localgov/resourcesandhandouts/referencedocuments/Principles%20of%20Good%20Governance.pdf>
 12. Hadavand, M. (2005). Good Governance, Development and Human Rights. *Basic Rights*, 2(4), 51-86. **(In Persian)**
 13. Hilpold, P. (2002). EU Development at a Crossroad. The Cotonou Agreement and the Principles of Good Governance. *European Foreign Review*, 7(3), 53-72
 14. Imam Khomeini, R. (2008). *Sahifa Imam*, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute. **(In Persian)**
 15. Jamali, S. J. (2022). Toward National Identity. *Dunya Ekhtaz Newspaper*, December 1, No. 5610, 1. **(In Persian)**
 16. Karimi, Amirhosheng. (1400). Digging into modern nation-state relations. *Iranian Diplomacy*, September 31, at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2006190> **(In Persian)**

17. Kaufman, D. (2003). Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge Metaphor. SSRN, March 11, at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=386904
18. Kordnaiej, A., Babashahi, J., Danaee Fard, H., Azar, A. (2021). Transition in national wellbeing: Does good governance play a critical role?. *Management Research in Iran*, 16(4), 45-62. **(In Persian)**
19. Langbein, L., & Knack, S. (2009). The worldwide governance indicators: Six, one, or none. *The Journal of Development Studies*, 52(11), 350-370.
20. Meiser, J.W. (2018). Introducing Liberalism in International Relations Theory. *International Relations*, February 18, at: <https://www.e-ir.info/2018/02/18/introducing-liberalism-in-international-relations-theory/>
21. Moghadari, M. (2021). *Good governance and development*, Tehran: Negah Masazeh Publications. **(In Persian)**
22. Molavi, J. M. (2022). *Masnavi Manavi*, Tehran: Dostan Publications. **(In Persian)**
23. Motahari, M. (1998), *Hosseini's Epic*, Vol. I, Tehran: Sadra Publications. **(In Persian)**
24. Naqibimonfard, H. (2010). Good governance in the light of the globalization of human rights, Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. **(In Persian)**
25. Ottv, J.C. (2010). Good governance and happiness in nations: Technical quality precedes democracy and quality Beats Size. *Journal of Happiness Studies*, 11, 353-368.
26. Qalipour, R. (2008). *Good governance and the appropriate model of government*, Tehran: Strategic Research Center and Islamic Azad University. **(In Persian)**
27. Riggs Fred, W. (2010). Development Administration Cite in Development Administration in Asia. Edited by Edward W. Weidner, Durham: Duke University Press.
28. Rowntree, J. (2009). *The Good Governance standard for public services*, London: OPM and CIPFA.
29. Shah, A., & Huther, J., (1998). Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization. *World Bank*, 1-28. at: <https://elibrary.worldbank.org/doi/abs/10.1596/1813-9450-1894>
30. Shirjian, J., Zargar, A., Keyhanlou, F., & Mahmoody, A. (2022). Liberalism, International Law, and Good Governance. *International Studies Journal*, 19(2), 97-120. **(In Persian)**
31. *The Holy Quran*. **(In Persian)**
32. UNSCAP. (2002). What is Good Governance?, at: <https://www.unscap.org/sites/default/files/good-governance.pdf>